ایشانست برسول و بیان او و امانت پس بفروشند آن بهای ثمن ثمنا قلیلا دسه کنند آن بدروغ خود ثمنا قلیلا بلها اندک
اما آن رشوتست که برای کتمان نعت نبوی میستانند بعضی از علما میبود که بدانستن توریة حفظ عشر آیات استثنی نمودند و قرظه
سامی زوادت شام تیره و عال دفاقه زوده و وجی نظیت که و کعب بن الاشرف آورده و در منزل بی حاصل و نزول او در توریة
تنگی و پیچیدگی شکایت بسیار کرد و کعب از ایشان پرسید که شما بهتر دقایق احکام توریت و حقایق آیات او و سید و بدیگکات
این مرد محمد چه دیده و چه دیده و دیشته اید گفتند بابن الاشراف کجا کل شوان کرد آفتاب اندود تو هم میدانی که شما
سیود و پیغمبر موعودست کعب آتش حسد در سینه بر افروخت و مشعله حقد در دل پر غلش افتاد و گفت بدین فقر که
توریة کردید و اوراق سلف بپا زدید خود را از فواید سیاحت محروم و بهره رنج و حیات و دیانت و ترک دیانت موسوم کردید
مرا در خاطر بود که اگاه برسیود در امیر بانی کرده عالی شما ایشان در میان آرم و از اصحاب صنایع نصیبی که آمال امانی شما
آن کند بستانم حال طریق آن خیال بسته و ناموس آن اندیشه شکسته شد ع کرمی بازار رفت و فکر آن سود ماند
آن دیگمان بی عاقبت از متاع عقبی که امید دران بسته بودند قطع طمع شوا پنشدند و چاره انکار بر انکار بعد از اقرار بتحریف
بعد از تحریف فدا پنشدند و گفتند ما را شد بدست قول هل در اصابه در نظر آریم و نعت صفت او با نچه در کتب دیده ایم مطابق
کنیم پس از ان هر چه روی نماید بگفتیم و لیعان یعنی هر سهیل گرفت ابد پس چند روز در کلیه بوار و زاویه عزلت کردند و بر هند که
در توریة بود صفت خواجه صلعم بیون آورد کعب اشرف از مقالات سیود و ایشان شاد شد و بر آنچه از تقاعد بعض مخصوصه
بود سوگند یاد کرد که این از نزد خدا و ذاست و آن و دمان بی دین را بخوری اضاع دینی خشنود ساخت بجانب شام باز پیشد
و روزی دیگر مینت کرد روزی ابن مسعود بحضور بعضی از اصحاب کرام این حدیث از سید انام علیه الصلوة والسلم نقل میفرمود کعب حلف
علی یمین هو فیها فاجر لیقطع بها مالا لغیره فلقی الله وهو علیه غضبان یعنی هر که بر سر کند دروغ و دلیری کند و نام آن فرمیند
اندم بگناه فاجر راستی در میان آرد مینت آنکه بتی کسی مال شده سرمایه ثروت او زیاده گردد و آنکس بخرابی رسد و از آن خود نشان
یا بعضی مشغول تو نفسانی و حاصل حاجب لقایی رحمانی اندازمیان برچیند و دفعه غضبان حیسانی که حاجز و حال لقای عالم
روحانی اند مرتفع گردد و آن فاجر عاذ صورت حال خویش را آینه تمثال مشاهده نماید و نظر روح را از مطالعه جمال خشنودی
ذوالجلال محروم بیند درین نقل اشعث بن قیس کنداز ابطال عرب بود پیش آمد و گفت این حدیث که ابن مسعود روایت میکند
در خاصه یکی از سیود شرف ورود یافته و آن چنان بود که من در قطعه زمین بر سخن دعوی داشتم چون مرا نزد پیغمبر بردند حضرت
حضرت مرا از انکار کرد حضرت رسالت پناه صلعم گفت آیا تو بینه داری گفتم نه بلکه بینه تو بسوگند بود
فرمود که قطعه را سوگند دو گشتم یا رسول الله او بی دیست لیکن کسی که بینه در بیع بگیرد و حق را باطل کرد اند آیة ان الذین یشترون
بعهد الله الآیة از فرود آمد و کشف اند قضیه الشیخین امیر بیچه نازل شد و چنانچه در سوره بقره گذشت درین قول عهد تنزیل و مواثیق
و ترک سنت باشد اولئک آن گروه عهد شکنندگان و سوگند بدروغ خورندگان لا خلاق لهم هیچ بعضی نیست مر ایشان را

فی الآخرة در آنسرای ولا یکلمهم الله و سخن نگوید خدای ایشان یعنی که بدان خوشدل گردد بلکه آن گوید که رجب بنا ای حال ایشان
شده چنانچه اختصوا فیها ولا ینظر الیهم بنظر رحمت با ایشان نگرد یوم القیمة ولا یزکیهم و روز رستخیز پاک نسازد ایشان را از پلیدی
گناهان یا ثنا نکوید بر ایشان چنانچه بر دوستان خود میگوید این عقوبتها که فرو گرفته حرمان تو بوست پس قبح شده قبایح میگوید
ولهم و مر ایشان راست در دوزخ عذابی دردناک و بعد از آن نیز بوفا فی پیمان شکنی مذمت کرد و در آیه تا می نا فرمود و نیز شما
میکنید وان منهم و بدرستی که از جهودان لفریقا گروهی پیشه چون کعب بن اشرف و امثال ایشان که از روی مکر و مستی
یلوون السنتهم می پیچانند زبانها خود را بالکتاب بخواندن کتابی که نوشته و فرا یافته اجبار ایشانست چنانچه در کشف
حق تعالی پرده از روی آن کذب ایشان بر افکند و میگوید که زبان خود اصل سیود از منزل بحرف و مقرر بودن خود را بلغت عبرانی نموده
تا شما پندارید و گمان برید که آن منقول ایشان من الکتاب از توریت است وما هو من الکتاب و حال آنکه نیست آن
ساخته ایشان از توریة ویقولون هو و میگویند آن مصحف من عند الله از نزدیک خدای تعالی است این سخن تاکید
قول سابقست یا اگر بالهام قوم خود میگفتند از توریة یا کسی که توریة عالم بود نوع بازمیسوختند که این از نزد خدا ذاست نوزاده
در کتب دیگر چون صحیفه شعیا و کتاب ازیسیا حقیقتی وما هو من عند الله و مینت آن بر هم بسته ایشان از نزد خدا و نیست
نوزاده در کتب دیگر چون صحیفه شعیا و کتاب ازیسیا و هیچ کتاب فرو نفرستاده ویقولون و میگویند این فاجران و نادان علی
الله الکذب بر خدای دروغ که غیر سخن او میدارند وهم یعلمون و ایشان میدانند که دروغ میگویند پس ان دروغ معذور نباشند
چه آن از روی گمان بگذرد بتقلید علمی ایشانست و هر گونه عقوبت ایشان برین کار دشوار تر خواهد بود در امثال آمده که الامر علی قدر الاقدام
ع مرد فرو در بنداز که کرا را هند ؛ و چون تحریف و دروغ عادت علما اهل کتاب سیود و انصار انصاری را بقول بعد از بیان تحریف
بود و انصاری را که در تحریف میکوشید گواه و عیسی او نیست کرد و هم بعبادت خود فرمود و مشرع سیود و در سخن ایشان میگوید
ما کان لبشر هرگز نبود و در مینت مر آفرید و را عیسی این سه چیز بر قبی لایق ذکر گشت و چه اول نزول کتاب با دین ان
فهم و اتقان بحکم است و دیگر تبلیغ آن مفهوم و تحقیق که بوتست و نشاید که کسی با دین فضایل اختصاص شد ان یؤتیه الله الکتاب پس گوید
گمان نیست خود را که والحکم والنبوة باشد شما بندگان باشید پرستندگان من دون الله جز خدای را بر ای نوت میکنید
یعنی اتقان را پرستش خود و دعوت مکرر و بقول بعضی مراد از نبی محمد است صلعم و درین کتاب قرآن و سبب نزول آنکه ابو رافع
قرظی با رئیس قسیسان نجران پیغمبر را صلعم تا بر گفتند یا محمد تو میخواهی که ما ترا پرستیم و زمین بپادشاهی بگیر نجرانی تو از
حکم گفت معاذ الله که من بجز پیغمبر سیود و آلوده شوم و عاشا کسی را بر خدای سزای پرستش ام حق سبحانه مرا بدین نفرستاده و نه
بدین احکام بر دست من نمیاد و من همین میگویم که بنده و رسول او یم و حسن بصری حجم نمیگوید یعنی در حال حیات که ایشان را دعوت
بوت سخنی بای مرات حاصل بود و بعوض ساینده که یا رسول الله ما ترا پیشان سلام میکنیم که اهل اسلام میکنیم که اهل اسلام و بعضی گویند که ایشان را دعوت
بوده اوبر سلام و سجده و اختصاص بهم حضرت رسول خود و گویند آنچه و ارشاید جز سجده و آن گویند و آن دین گیرند فرق قول آخر

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)